

چگونه خدیجه(س) شیفته محمد(ص) شد؟



دوم ربیع الاول؛ ازدواج پیامبر(ص) و خدیجه چگونه خدیجه(س) شیفته محمد(ص) شد؟ « سرویس: معارف و حقوق - دین و اندیشه کد خبر: 92102111881 - ۱۳۹۲ دی ۱۵:۱۲ - ۳۶۰-۴۴ jpg روز دهم ربیع الاول سالروز ازدواج پیامبر عزیز اسلام (ص) با حضرت خدیجه(س) است، آن بزرگوار 15 سال قبل از هجرت با حضرت خدیجه کبری (س) ازدواج نمودند. به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) در کتب تاریخی و کتاب‌هایی که درباره تاریخ اسلام و بخشی که مربوط به یکی از مهمترین

دوم ربیع الاول؛ ازدواج پیامبر(ص) و خدیجه

چگونه خدیجه(س) شیفته محمد(ص) شد؟

روز دهم ربیع الاول سالروز ازدواج پیامبر عزیز اسلام (ص) با حضرت خدیجه(س) است، آن بزرگوار 15 سال قبل از هجرت با حضرت خدیجه کبری (س) ازدواج نمودند.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) در کتب تاریخی و کتاب‌هایی که درباره تاریخ اسلام و بخشی که مربوط به یکی از مهمترین اتفاقات یعنی "ازدواج و پیوند رسول امین حضرت محمد مصطفی(ص) و حضرت خدیجه کبری(س) است مطالب مشابهی ذکر شده است و تنها مساله‌ای که مورد بحث و اختلاف بوده بیشتر مربوط به ازدواج حضرت خدیجه(س) قبل از ازدواج با پیامبر(ص) می‌باشد.

در ادامه نحوه آشنایی و خواستگاری آن دو حضرت را به این مناسبت مرور می‌کنیم:

در احادیث شیعه و اهل سنت آمده است که حضرت خدیجه بنت خویلد بن اسد، در دانش و اطلاع به کتب زمان خود معروف بوده است. خدیجه دختر خویلد زنی تجارت پیشه، با شرافت و ثروتمند بود، افرادی را برای بازرگانی می‌گماشت و سرمایه‌ای را برای تجارت در اختیارشان قرار می‌داد و مزدی به آنان می‌پرداخت، وقتی محمد(ص) به 25 سالگی رسید، ابوطالب به او گفت: من تهیدست شده‌ام و روزگار سخت شده است، اکنون کاروانی از قریش رهسپار شام می‌شود، کاش تو هم نزد خدیجه که مردانی را برای تجارت می‌فرستد، می‌رفتی و کار تجارت او را به عهده می‌گرفتی. خدیجه از راستگویی، امانت و اخلاق پسندیده محمد(ص) آگاهی یافت و در پی او فرستاد که: اگر کار تجارت مرا عهده‌دار شوی، بیش از دیگران به تو می‌پردازم و غلام خویش میسر را نیز برای دستیاریت می‌فرستم. حضرت محمد(ص) این پیشنهاد را پذیرفت و همراه میسر رهسپار شام شد، در این سفر بیش از سفرهای گذشته سود عایدشان شد.

زنی که طاهره و سیده قریش نامیده می‌شد

خدیجه(س) بانویی خردمند، دوراندیش و شرافتمند بود و از نظر نسب از زنان قریش برتر بود، او در اثر امتیازات اخلاقی و اجتماعی متعددی که داشت، در زمان جاهلیت، طاهره و سیده قریش نامیده می‌شد، بنابر مشهور، او قبلاً دو بار ازدواج کرده و همسرانش درگذشته بودند، البته دلایلی در مقابل مبنی بر این که ایشان تا قبل از ازدواج با رسول خدا(ص) هرگز ازدواج نکرده بود وجود دارد که در برخی کتب تاریخی شیعه و سنی درباره آن بحث شده است، به هر سوی بزرگان قریش همه علاقه‌مند به ازدواج با او بودند، مردان نامداری همچون عقبه بن ابی‌معیط، ابوجهل و ابوسفیان از او خواستگاری کرده بودند و او موافقت نکرده بود.

خدیجه(س) پیشنهاد ازدواج به محمد امین می‌دهد

از سوی دیگر، خدیجه با محمد(ص) خویشاوند بود و نسب هر دو در قصی به هم می‌رسید، او اطلاعاتی از آینده درخشان محمد(ص) داشت و علاقه‌مند به ازدواج با او بود. خدیجه به حضرت محمد(ص) پیشنهاد ازدواج کرد و محمد(ص) با موافقت عموهایش، این پیشنهاد را پذیرفت و در یک جمع خانوادگی ازدواج صورت گرفت، بنا بر قول مشهور در این هنگام خدیجه ۴۰ سال و حضرت محمد(ص) ۲۵ سال داشت.

دلایل ظاهری و باطنی ازدواج پیامبر(ص) با خدیجه

آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب «فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام» درباره علل ظاهری و باطنی این ازدواج این چنین بیان می‌کند: مردان مادی که همه چیز را از دریچه مادی‌گری مطالعه می‌کنند، پیش خود چنین تصور می‌کنند که چون خدیجه ثروتمند و تجارت پیشه بود، برای امور تجارتي خود، به یک مرد امین بیش از هر چیزی نیازمند بود، از این لحاظ، با محمد(ص) ازدواج کرد و محمد نیز از وضع زندگی آبرومندانه او آگاه بود، با اینکه توافق سنی نداشتند؛ تقاضای او را پذیرفت.

ولی آنچه را تاریخ نشان می‌دهد، این است که محرک خدیجه برای ازدواج با امین قریش، یک سلسله جهات معنوی بود، نه جنبه‌های مادی، اینک شواهد ما: ۱- هنگامی که از میسر، سرگذشت سفر جوان قریش را می‌پرسد؛ او کراماتی را که در طول این سفر از او دیده بود و آنچه را از راهب شام شنیده بود، برای او نقل می‌کند، خدیجه شوق مفرطی که سرچشمه آن علاقه به معنویت محمد(ص) بود در خود احساس می‌کند و بی‌اختیار به او می‌گوید: میسر! کافی است، علاقه مرا به محمد؛ دو چندان کردی، برو که من، تو و همسرت را آزاد کردم و 200 درهم و دو اسب و لباس گرانبهایی در اختیار تو می‌گذارم.

سپس آنچه را از میسر شنیده بود، برای «ورقة بن نوفل» که دانای عرب بود، نقل می‌کند، او می‌گوید: صاحب این کرامات

پیامبر عربی است.

۲- روزی خدیجه در خانه خود نشسته بود و دور او را کنیزان و غلامان گرفته بودند، یکی از دانشمندان یهود نیز در آن محفل بود، اتفاقاً جوان قریش از کنار منزل آن‌ها گذشت و چشم دانشمند یهود به پیامبر افتاد، فوراً از خدیجه درخواست کرد که از محمد تقاضا کند، از مقصد خود منصرف شود و چند دقیقه در این مجلس شرکت کند.

رسول گرامی(ص) تقاضای دانای یهود را که مبنی بر نشان دادن علایم نبوت در بدن او بود پذیرفت، در این هنگام خدیجه رو به دانشمند یهودی کرد و گفت: هرگاه عموهای او از تفتیش و کنجکاوی تو آگاه گردند، عکس‌العمل بدی نشان می‌دهند، زیرا آنان از گروه یهود به برادرزاده خود هراسانند، در این موقع، دانای یهود گفت: مگر می‌شود به محمد کسی صدمه‌ای برساند! در صورتی که دست تقدیر، او را برای ختم نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است، خدیجه گفت: از کجا می‌گویی که او حایز چنین مقام می‌شود؟ وی گفت: من علایم پیامبر آخرالزمان را در تورات خوانده‌ام و از نشانه‌های او این است که پدر و مادر او می‌میرند و جد و عموی وی از او حمایت می‌کنند و از قریش زنی را انتخاب می‌کند که سیده قریش است، سپس اشاره به خدیجه کرد و گفت: خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را به دست آورد.